

ضرورت نگاه فراملی

به امنیت انرژی

احمد ساعی *

مریم پاشنگ **

چکیده

بازارهای جهانی نفت شاهد تغییرات عمیقی است که پیش‌تر تجربه نشده و نمی‌توان آن را صرفاً در قالب چرخه مرسوم و تاریخی اقتصادی و گاه سیاسی- ژئوپلیتیکی ناشی از تعامل بین عوامل بنیادین و غیربنیادین بازارهای نفت مورد بررسی قرار داد. امروزه جهان و شرایط اقتصادی حاکم بر آن نسبت به آنچه در سی سال پیش حاکم بوده، چه از بعد ژئواکونومیک و چه از بعد ژئوپلیتیکی تغییرات اساسی داشته و بازیگران جدیدی وارد عرصه شده‌اند که بازی در صفحه شطرنج اقتصاد جهانی را تغییر داده‌اند. به تناسب آن، بازارهای انرژی نیز این روند گذار را با ورود بازیگران جدید طی می‌کنند. به این ترتیب، دیگر نمی‌توان الگوهای گذشته را برای فعالیت‌های حال و آینده صنعت نفت و امنیت انرژی جهان به کار گرفت. با این وجود، هنوز دولت‌ها امنیت انرژی خود را با رویکرد واقع‌گرایی و در چارچوب مضیق امنیت ملی تعریف می‌کنند، این در حالی است که بسیاری از موضوعات مرتبط با امنیت انرژی مثل سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، انتقال فناوری، تغییرات آب‌وهوایی، فقر انرژی و دیگر ابعاد توسعه پایدار ماهیت فراملی دارند. از سوی دیگر، عوامل مشترک متعددی بین امنیت انرژی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان وجود دارد که باعث به هم پیوستگی امنیت عرضه و امنیت تقاضا می‌شود. از این رو، با توجه به اینکه حکمرانی بهینه در مورد امنیت انرژی ابعاد فراتر از مرزهای جغرافیایی هر کشور دارد، این مقاله در پی تبیین شرایط حاکم بر امنیت انرژی بازیگران اصلی از طریق راهبرد مطالعه موردی و بررسی روابط علی مطرح شده در تعریف امنیت انرژی از سوی هر کدام از آنها و در نهایت معرفی یک پارادایم امنیتی جایگزین برای سیاست‌های انرژی در چارچوب یک مرجع بین‌المللی حکمرانی انرژی می‌باشد.

واژگان کلیدی

امنیت عرضه، امنیت تقاضا، توسعه پایدار، امنیت جهانی انرژی، پارادایم فراملی

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات تهران

Email: a-saei@srbiau.ac.ir

** دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

Email: maryampashang@yahoo.co.uk

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۲۹

تاریخ ارسال: ۹۵/۲/۲۰

فصلنامه راهبرد / سال بیست و پنجم / شماره ۸۰ / پاییز ۱۳۹۵ / صص ۲۵۳-۲۳۳

جستار گشایی

امنیت انرژی، موضوعی پیچیده با ابعاد چندگانه است. امروزه امنیت انرژی، نه تنها در کانون سیاست‌های انرژی واقع شده؛ بلکه در کانون سیاست‌های امنیت ملی و بین‌المللی قرار دارد و هرچه می‌گذرد عوامل تأثیرگذار بر آن افزایش می‌یابد. در واقع، امنیت انرژی متغیر وابسته‌ای است که به مرور زمان متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر آن افزایش یافته است. به‌عنوان مثال، طی دو دهه اخیر، نقش سیاست‌های زیست‌محیطی و استفاده از سوخت پاک در پی افزایش آلودگی هوا و محیط‌زیست به علت استفاده گسترده از منابع انرژی‌های فسیلی در سیاست‌های امنیت انرژی کشورها بیشتر مورد تأکید قرار گرفته یا اینکه اهمیت امنیت سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری برای تأمین امنیت انرژی جهانی افزایش یافته است. در واقع، از یک سو ماهیت چندجانبه این مفهوم ارائه تعریفی از آن را مشکل کرده و از سوی دیگر از این مفهوم به‌عنوان چتری برای پوشش بسیاری از موضوعات مرتبط با انرژی از جمله رشد و توسعه اقتصادی و قدرت سیاسی و ابزار سیاست خارجی در قالب دیپلماسی انرژی نیز استفاده می‌شود.

با تحولات بازارهای نفت طی سال‌های اخیر، صعود و سقوط ناگهانی قیمت‌های نفت، رقابت‌های ژئوپلیتیکی، نیاز کشورها به واردات انرژی، به‌ویژه نفت و گاز برای به حرکت درآوردن موتور اقتصادشان و درعین حال، افزایش اهمیت امنیت تقاضا برای کشورهای تولیدکننده به موازات امنیت عرضه برای کشورهای مصرف‌کننده، موضوع تأمین امنیت انرژی این‌بار از منظر اقتصادی و سیاسی به دغدغه بسیاری از دولتمردان و اندیشمندان تبدیل شده است. به‌طوری‌که بیشتر مطالعاتی که در مورد مفهوم امنیت انرژی صورت می‌گیرد، تفاسیر متعددی را از ابعاد چندگانه امنیت انرژی ارائه می‌دهد.

هرچه می‌گذرد ماهیت موضوعات مربوط به امنیت انرژی چه از بعد امنیت عرضه و تقاضا و چه از منظر قدرت سیاسی ماهیت فرامرزی و بین‌المللی پیدا می‌کند، اما تصمیم‌گیری در مورد امنیت انرژی در پارادایم مضیق و محدود امنیت ملی و در چارچوب رویکردهای واقع‌گرایی و ژئوپلیتیکی و بیشتر با تأکید بر امنیت عرضه برای مصرف‌کنندگان صورت می‌گیرد. این در حالی است که با گذشت زمان به‌هم‌پیوستگی تاروپود امنیت عرضه و امنیت تقاضای انرژی بیشتر می‌شود و نقاط مشترک در الگوی امنیت عرضه برای تولیدکنندگان و امنیت تقاضا برای مصرف‌کنندگان نیز بیانگر به‌هم‌پیوستگی امنیت عرضه و تقاضای انرژی است. به‌بیان‌دیگر، هرگونه تهدید علیه امنیت تقاضای یک کشور تولیدکننده عمده نفت و گاز یا تهدید امنیت عرضه یک کشور مصرف‌کننده عمده انرژی‌های فسیلی می‌تواند در بلندمدت امنیت انرژی دیگر کشورها را تحت تأثیر خود قرار داده و آثار سوئی بر جای بگذارد.

در این نوشتار در ابتدا ضمن اشاره به تاریخچه‌ای از رویکردهای مهم در زمینه امنیت انرژی و امنیت عرضه از نگاه مصرف‌کنندگان، الگوی امنیت تقاضا برای کشورهای تولیدکننده با در نظر گرفتن تهدیدهای احتمالی علیه امنیت تقاضای این کشورها ارائه می‌شود و با مشخص کردن نقاط مشترک این الگو با الگوی امنیت عرضه کشورهای مصرف‌کننده تأکید می‌شود که تهدید امنیت تقاضا یا امنیت عرضه یک کشور تولیدکننده یا مصرف‌کننده عمده انرژی امنیت انرژی بین‌الملل را در بلندمدت دچار چالش خواهد کرد. از سوی دیگر، با توجه به ماهیت فراملی بخش اعظم موضوعات مربوط به امنیت انرژی و پیامدهای سوء تصمیم‌گیری در مورد امنیت انرژی در قالب پارادایم مضیق و محدود امنیت ملی و با رویکردهای واقع‌گرایی و ژئوپلیتیک، تصمیم‌گیری در پارادایمی فراملی برای تأمین امنیت انرژی به‌عنوان الزام استراتژیک معرفی می‌شود.

پیشینه تحقیق. با وجود آنکه موضوع تأمین امنیت انرژی سال‌هاست که در دستور کار دولتمردان و سیاست‌گذاران قرار دارد، اما هنوز تعریف جامع و کاملی در مورد امنیت انرژی ارائه نشده است. *لین چستر سردرگمی کارشناسان در ارائه تعریفی جامع در مورد امنیت انرژی را این‌گونه بیان می‌کند: «بررسی تعریف صریح و تلویحی روشن می‌کند که مفهوم امنیت انرژی ماهیتاً مفهومی دشوار و گریزپاست، زیرا سرشتی چندمعنایی دارد و بسته به کشور (و یا قاره) چارچوب زمانی یا منبع انرژی مورد نظر می‌تواند ابعاد متعددی داشته باشد و مشخصات متفاوتی را بپذیرد»* (Chester, 2010: 887).

مفهوم امنیت انرژی در سال ۱۹۷۳ پس از تحریم نفتی اعراب علیه آمریکا به علت جنگ اعراب و اسرائیل در کانون توجه قرار گرفت (Taylor, Vandoren, 2008: 475). طی دو دهه پس از آن، حداقل در محافل سیاسی و آکادمیک، انرژی بیشتر موضوعی اقتصادی در نظر گرفته می‌شد تا سیاسی؛ چون بازارهای جهانی نفت و قیمت‌های پایین سوخت‌های فسیلی ابعاد اقتصادی را در اولویت قرار داده بود و اغلب فرضیات منطقی که بازار انرژی را توسعه می‌داد، ولی به‌طور خاص چگونگی شکل گرفتن بازارها با توجه به ملاحظات امنیتی نادیده گرفته می‌شد (Dyer, Trombetta, 2013: 3).

در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، با وجود آنکه در نظریه‌های روابط بین‌الملل بر اهمیت انرژی در روابط بین‌المللی تأکید شده، واقعیت امر این است که چارچوب نظری منسجم و کاملی در حوزه انرژی از این منظر وجود ندارد. بیشتر ادبیات روابط بین‌الملل در رابطه با انرژی بر توان و ظرفیت تنش و همکاری بین دولت‌ها تأکید دارد. در واقع انرژی، امنیت و قدرت اضلاع مثلی را تشکیل می‌دهد که نفوذ بسیار زیادی در دنیای سیاست دارد (Wood, 2013: 19).

از یک سو، امنیت انرژی به اقتصاددانان و مهندسان سپرده شده است و از سوی دیگر، هشدارهای زیادی در مورد تغییر شکل انرژی به موضوعات امنیتی وجود دارد. اولی به تلاش‌های گسترده برای به کارگرفتن ابزارهای سیاست عمومی برای تعامل با شکست‌های بازار و یا اندازه‌گیری ناامنی‌های انرژی، اندازه‌گیری خطرپذیری، بدون پرسش در مورد اینکه امنیت چه کسی یا چه چیزی، چگونه تأمین شود، معطوف می‌گردد. دومی به درک از امنیت مربوط است چراکه شامل اقدامات خاصی مثل استفاده از زور و مداخله نظامی می‌شود (Dyer and Trombetta, 2013: 3).

هرچند بیشتر ادبیات امنیت انرژی مربوط به رویکردهای واقع‌گرایی و ژئوپلیتیکی است، اما رویکردهای لیبرالی نیز در این زمینه، به‌ویژه در دهه‌های اخیر فعالیت‌هایی را انجام داده و موفق شده مفاهیمی را وارد حوزه امنیت انرژی کند. با این وجود، به نظر می‌رسد رویکرد قالب در زمینه امنیت انرژی، کماکان رویکرد واقع‌گرایی و ژئوپلیتیکی است.

در رویکرد لیبرالی دو نوع از کارها در زمینه امنیت انرژی به چشم می‌خورد؛ برخی از کارها بر روی نیمه‌خالی صنعت بین‌المللی انرژی تأکید دارند و برخی دیگر بر این موضوع متمرکز شده که آیا می‌توان صنعت جهانی انرژی را به‌صورت بهینه‌تر مدیریت کرد و فضای بازتری برای افزایش همکاری در زمینه تأمین امنیت انرژی با هدف رسیدن به توسعه پایدار به‌وجود آورد؟

در ادبیات گروه نخست، به‌موضوع نفرین منابع که شامل شرح و تدوین اقتصاد ناکارآمد به علت تزریق درآمدهای نفتی به بودجه و همچنین ادبیات مربوط به دولت‌های رانتی نفتی و جنگ بر سر دستیابی به منابع انرژی‌های فسیلی و تسلط دولت‌های غیردموکراتیک بر منابع محدود انرژی‌های فسیلی پرداخته شده است.

یک تعبیر از نفرین منابع بر توسعه بخش انرژی و منابع طبیعی یک کشور و عدم توسعه بخش‌های دیگر، به‌ویژه بخش خدمات تأکید دارد. تعبیر دیگر از نفرین منابع بر ثروت نفتی و نبود حقوق سیاسی و گسترش فقر در جامعه تأکید دارد. سومین تعبیر بر کیفیت حقوق قانونی، سیاسی و اقتصادی تأکید دارد (Dyer and Trombetta, 2013: 23).

در ادبیات گروه دوم اغلب اقتصاددانان نئوکلاسیک، مؤسسات بین‌المللی مالی و سمن‌ها راهکارهایی را ارائه داده‌اند. برای مثال توصیه‌هایی که توسط مؤسسات تحقیقاتی اتحادیه اروپا و امریکا و نهادهای بین‌المللی مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هر ساله برای بهبود شرایط اقتصادی و مدیریتی کشورهای دارای منابع انرژی‌های فسیلی ارائه می‌شود. در این گزارش‌ها، در مجموع بر روی چند محور شفافیت، قوانین و مقررات و مسئولیت‌های شرکت‌های

بین‌المللی و دولت‌ها برای رسیدن به امنیت انرژی جهانی و دستیابی به توسعه پایدار تأکید می‌شود و در این راستا حکمرانی خوب در این کشورها نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در روابط بین‌الملل، رویکرد واقع‌گرایی به‌طور سنتی بر امنیت تمرکز دارد. کنت والتز پدر نوواقع‌گرایی بر این باور است که دولت‌ها در نظام بین‌المللی که فاقد هرگونه اقتدار مرکزی است برای بقا تلاش می‌کنند. تلاش برای دستیابی به قدرت ازجمله دستیابی به منابع انرژی روابط بین‌دولت‌ها را شکل می‌دهد. کنت والتز پیش‌بینی کرده که شوک‌های نفتی ازجمله شوک نفتی اعراب، هیچ تغییری را در قدرت برای غرب ایجاد نمی‌کند (Waltz, 1979: 155-157).

با این وجود، بعد از شوک نفتی ۱۹۷۳ موضوع امنیت انرژی به دغدغه بسیاری از دولتمردان تبدیل شد. والتز استدلال می‌کند که تداوم استراتژی‌های کشورهای بزرگ غربی در ژئوپلیتیک انرژی است و با تغییر بازیگران سیاسی، استراتژی‌ها ثابت باقی می‌ماند. امنیت (در رابطه با تهدید) تدافعی و (در رابطه با بهینه‌سازی منافع در مقایسه با دیگر بازیگران) تهاجمی تعریف می‌شود. تعریف والتز از امنیت بیشتر تدافعی است، چراکه از ساختار آنارشیک جوامع نشئت می‌گیرد، اما امنیت انرژی تهاجمی است چون تنها نقطه‌ضعف کشورهای غربی است و آنها ترجیح می‌دهند در مورد آن از سیاست تهاجمی استفاده کنند (Grafstein, 2002: 139). حتی عده‌ای از واقع‌گرایان، نه‌تنها بر رویکرد تهاجمی در موضوع امنیت انرژی تأکید دارند، بلکه بر این باورند که جنگ بر سر منابع انرژی‌های فسیلی در کشورها فقط به مرزهای آن کشورها محدود نمی‌شود و دامنه جنگ و بحران به فراتر از مرزها کشانده می‌شود. پیامدهای جهانی حمله نیروهای ائتلاف به عراق با رهبری آمریکا در سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ و از سال ۲۰۰۳ بسیار گسترده است. افزایش قابل‌توجه قیمت‌های نفت، هزینه مستقیمی بر اقتصاد جهانی تحمیل کرد و انعکاس آن در اقتصاد کلان تقریباً به ۱/۱ تریلیون دلار رسید (Stiglitz and Blimes, 2010). تعداد دیگری از تحلیلگران نیز ریشه تنش بین اقوام و گروه‌های سیاسی در کشورهای نفت‌خیز برای دستیابی به درآمدهای نفتی را در راستای تلاش برای افزایش قدرت و نفوذ در ارکان سیاسی کشور می‌دانند.

باری بوزان، یکی از اعضای مکتب کپنهاگ، در دهه ۱۹۹۰ تعریف جدیدی از امنیت ارائه داد. امنیت از منظر اعضای این مکتب، نتیجه مستقیم تهدید نیست، بلکه بیشتر نتیجه تفسیرهای سیاسی است که از تهدید می‌شود؛ فرایندی که از آن با عنوان امنیتی‌شدن نام می‌برند. بوزان بر این باور است که باید مفهوم‌سازی از امنیت صورت بگیرد که مفهومی خاص‌تر از هرگونه تهدید یا مشکل باشد (Buzan and Waver, 1998: 7). در مجموع، به باور اعضای مکتب کپنهاگ، امنیت واکنشی غیرخطی به تهدید است. بر اساس این رویکرد، امنیت به پنج بخش

مجزا تقسیم می‌شود. نخست، امنیت در بخش سیاسی که شامل ثبات داخلی و خارجی کشور است. دوم، امنیت در بخش نظامی که توانمندی‌های تدافعی و تهاجمی را شکل می‌دهد. سوم، امنیت اجتماعی که به مفهوم ثبات هویت فرهنگی است. چهارم، امنیت اقتصادی به مفهوم دستیابی به بازارها و منابع است و پنجم امنیت زیست‌محیطی که به مفهوم محیط اکولوژیکی است (Buzan, 1991: 19).

با این وجود، مکتب کپنهاگ امنیت انرژی را مجزای از دیگر بخش‌های امنیتی ندانسته؛ هرچند بر اهمیت آن در بخش‌های مختلف تأکید دارد. نخست، اینکه امنیت سیاسی در روابط بین‌الملل شامل روابط امنیتی با دیگر کشورها به علت نظم آنارشیستیک بین‌المللی است و دولت‌ها در پی خودکفایی در بخش انرژی هستند. دوم، اینکه دسترسی به انرژی به‌طور غیرمستقیم به توانمندی‌های نظامی ارتباط دارد. سوم، امنیت اقتصادی با مشکلاتی برای پیش‌بینی رفتار بازیگران اقتصادی در اقتصاد سرمایه‌گذاری غیرمتمرکز تعریف می‌شود (Buzan, 1991: 235-237). بر این اساس، امنیتی‌شدن به مفهوم نگرش سیاسی به غیرقابل پیش‌بینی بودن بازارهای انرژی است.

شاید بهترین نمونه رویکرد واقع‌گرایی در زمینه امنیت انرژی را بتوان در کارهای مایکل کلر^۱ مشاهده کرد. محور اصلی کتاب‌های متعدد مایکل کلر این است که در دوران پس از جنگ سرد و پایان جنگ ایدئولوژیک بین سوسیالیسم و کاپیتالیسم و ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی، روابط بین‌الملل به‌طور روزافزونی بر دستیابی و کنترل منابع ارزشمند انرژی متمرکز شده است که این موضوع به‌نوعی ناشی از تغییر موازنه قدرت بعد از جنگ سرد است. قدرت‌های بزرگ جهان و قدرت‌های نوظهور اقتصادی بر سر دستیابی به منابع انرژی رقابت می‌کنند. منابع انرژی‌های فسیلی، به‌ویژه نفت به علت افزایش تقاضا در کشورهای در حال توسعه آسیایی کمیاب‌تر می‌شوند و از سوی دیگر بخش اعظم منابع انرژی‌های فسیلی در مناطقی از جهان واقع شده که دارای تنش‌هایی در داخل یا با دیگر کشورها هستند. ثروت نفت در این کشورها باعث می‌شود که دولت‌های آنها روزبه‌روز بر قدرتشان به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی افزوده شود چون بر منابع حیاتی انرژی که مورد نیاز سایر کشورهاست، تسلط دارند. کلر احتمال افزایش تنش‌های بین‌المللی و جنگ بر سر دستیابی به منابع انرژی را با مرور زمان بیشتر می‌داند (Klare, 2008: 21-28).

تاکنون تأکید بر امنیت عرضه انرژی برای کشورهای مصرف‌کننده در کانون مباحث امنیت انرژی قرار داشته و نهادهای مختلف متعلق به کشورهای مصرف‌کننده بزرگ جهان تعاریف

مختلفی از امنیت انرژی ارائه داده‌اند. این تعاریف بیشتر به رویکردهای ژئوپلیتیکی نزدیک است؛ هرچند نیم‌نگاهی به عناصری از نئولیبرالیسم مثل همکاری بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، افزایش شفافیت در سیاست‌های انرژی و توسعه پایدار و حکمرانی خوب در بخش انرژی شده است.

۱. تعریف امنیت انرژی

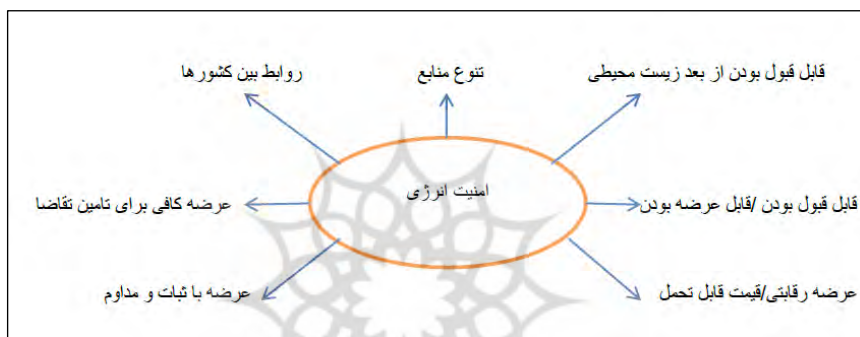
به‌طور سنتی و تاریخی متخصصان و سیاستمداران، امنیت عرضه نفت را همان امنیت انرژی می‌دانند و آن را به امنیت انرژی کشورهای مصرف‌کننده عمدتاً توسعه‌یافته محدود می‌کنند. در پایه‌ای‌ترین شکل، امنیت انرژی به معنای در دسترس بودن مقدار کافی انرژی برای تداوم حرکت اقتصادی و رفع نیازهای خانگی، حمل‌ونقل و نظامی به قیمت مناسب و به‌نسبت ثابت است. ورای این سطح پایه، سیاست امنیت انرژی اغلب به شوک‌های حاد قیمت و عرضه، ناشی از تحریم‌های سیاسی و بلایای طبیعی مربوط بوده است. *دانیل یرگین* بر این باور است که مفهوم امنیت انرژی برای کشورهای مختلف متفاوت است. برای کشورهای توسعه‌یافته به معنای دسترسی به عرضه کافی با قیمت مناسب است. برای کشورهای صادرکننده به معنای امنیت تقاضا برای حفظ درآمدهای نفتی دولت است. برای روسیه به معنای تقویت کنترل دولتی بر منابع استراتژیک و کسب تفوق بر مسیرهای اصلی انتقال و کانال‌های بازار انرژی است. برای کشورهای در حال توسعه، به معنای آن است که تغییر قیمت انرژی چه تأثیری بر موازنه پرداخت‌های آنها خواهد داشت. برای چین و هند به معنای تضمین و تأمین انرژی کافی برای تداوم رشد پرسرعت اقتصادی‌شان است. برای ژاپن به معنای جبران کمبود داخلی از راه متنوع‌سازی، تجارت و سرمایه‌گذاری است (Yergin, 2006). جای تعجب نیست که امنیت انرژی با روش‌های مختلف و در زمینه‌های مختلف درک شود (Chester, 2010: 887). مفهوم امنیت انرژی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. امنیت انرژی در کشوری که به‌شدت به واردات نفت و گاز وابسته است به مفهوم امنیت عرضه است، در حالی که امنیت انرژی در کشوری که نفت و گاز صادر می‌کند به مفهوم امنیت تقاضاست (Tippee, 2014).

۱-۲. تعریف امنیت انرژی از نگاه مصرف‌کنندگان

کمیسیون اروپایی، امنیت انرژی را امنیت عرضه انرژی می‌داند که باید از کارکرد مناسب اقتصاد، دسترسی فیزیکی بی‌وقفه به منابع انرژی و قیمت‌های قابل پرداخت که آثار زیست‌محیطی را نیز در نظر گرفته اطمینان حاصل کند. از نظر این کمیسیون، امنیت عرضه به مفهوم یافتن راهکارهای بیشینه‌کردن خودکفایی و کمینه‌نمودن وابستگی نیست، بلکه هدف از آن کاهش خطرهای مرتبط با وابستگی است (World Economic Forum, 2007: 9). بر اساس این

تعریف، مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت انرژی شامل منابع عرضه، متنوع‌سازی منابع انرژی، قیمت‌ها، مراکز تقاضا، امنیت حمل‌ونقل و تأسیسات، ژئوپلیتیک و ساختارهای بازار باشد (Haghighi, 2007: 35). به این عوامل می‌توان ملاحظات دیگری مثل رقابت جهانی برای دستیابی به منابع انرژی، ارتباط متقابل اقتصاد جهانی با سیستم‌های زیرساختی انرژی، نگرانی‌ها در مورد تغییرات آب‌وهوایی و نوآوری‌های فناورانه را نیز اضافه کرد (World Economic Forum, 2007:25). آژانس بین‌المللی انرژی^۲ امنیت انرژی را قابلیت دسترسی مداوم به منابع انرژی در قیمت قابل قبول تعریف می‌کند و آن را به بلندمدت و کوتاه‌مدت تقسیم می‌کند (IEA, 2014a). آژانس بین‌المللی انرژی مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت انرژی را به شکل زیر خلاصه کرده است.

شکل ۱- مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت انرژی



(IEA, 2014)

تقسیم‌بندی دیگری در مورد امنیت انرژی از نقطه‌نظر زمانی وجود دارد که امنیت انرژی را به بلندمدت و کوتاه‌مدت تقسیم می‌کند. امنیت کوتاه‌مدت انرژی به اختلالات کوتاه‌مدت در بازارهای انرژی بازمی‌گردد و امنیت بلندمدت انرژی به جنبه‌های ساختاری‌تر سیستم انرژی می‌پردازد. البته امنیت بلندمدت و کوتاه‌مدت انرژی با یکدیگر مرتبط هستند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

۱-۲-۱. امنیت کوتاه‌مدت انرژی

امنیت کوتاه‌مدت انرژی بر روی توانایی سیستم‌های انرژی برای واکنش فوری به تغییر یا اختلال ناگهانی در توازن عرضه و تقاضا تأکید دارد (IEA, 2007: 2). آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۱۱ مدلی را برای امنیت کوتاه‌مدت انرژی ارائه داد. در این الگو بر شاخص‌هایی مثل خطرهای خارجی (واردات انرژی) خطرهای داخلی (انتقال و توزیع) و همچنین در بخش بازگشت‌پذیری (ظرفیت کشور برای تقابل با انواع مختلف اختلال) تأکید شده است. رویکرد

مورد استفاده در این مدل، رویکرد سیستم‌های انرژی است که تمام بخش‌های سیستم انرژی را از انتقال، توزیع و خدمات به مصرف‌کنندگان در برمی‌گیرد. از بُعد امنیت انرژی این بدان مفهوم است که آسیب به هر بخش از سیستم امنیت انرژی ممکن است به دیگر بخش‌ها آسیب برساند. در واقع، مدل آژانس بین‌المللی انرژی در مورد امنیت کوتاه‌مدت انرژی، آسیب‌پذیری منابع اولیه انرژی را شامل می‌شود و بررسی می‌کند این آسیب‌پذیری چگونه بر منابع ثانویه انرژی نیز تأثیر می‌گذارد (IEA, 2011:8).

۱-۲-۲. امنیت بلندمدت انرژی

امنیت بلندمدت انرژی بر سرمایه‌گذاری‌های به‌موقع برای عرضه انرژی به موازات توسعه اقتصادی و ملزومات زیست‌محیطی در توسعه پایدار تأکید دارد. در بررسی امنیت انرژی بر روی چهار مفهوم که شامل فراهم‌بودن،^۳ در دسترس‌بودن،^۴ قابل‌خریدبودن^۵ و قابل‌قبول بودن^۶ تأکید می‌شود. برت کرویت^۷ فراهم‌بودن را به عناصر مربوط به زمین‌شناختی انرژی، در دسترس‌بودن را به عناصر ژئوپلیتیکی، قابل‌خریدبودن را به عناصر اقتصادی و قابل‌قبول بودن را به عناصر زیست‌محیطی مرتبط می‌داند. این چهار مفهوم از یکدیگر جدا نیستند و تعامل پیچیده‌ای با هم دارند (Kruyt et al, 2009: 2167). در مقاله کرویت به گزارش ویژه در مورد سناریوهای انتشار که توسط هیئت بین‌المللی تغییرات آب‌وهوایی تهیه شده، اشاره شده است. در این گزارش بر چهار سناریو بدین شرح تأکید شده است:

A1 سطح بالایی از جهانی‌شدن همراه با تکیه بر روی کارایی اقتصادی؛

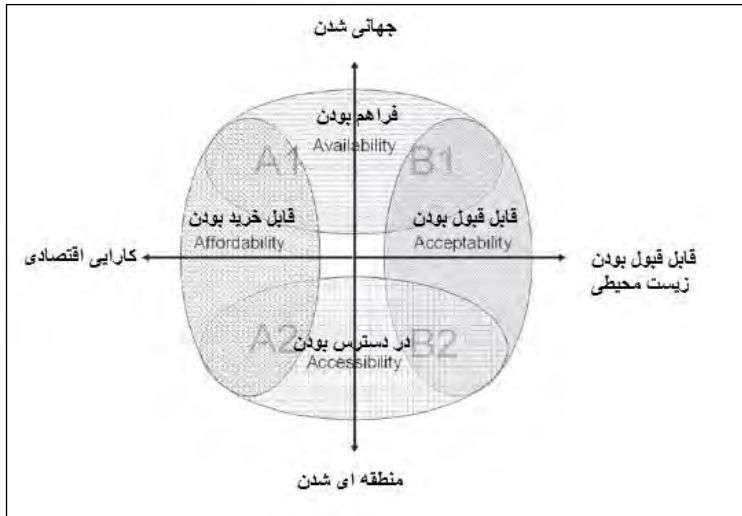
B1 سطح بالایی از جهانی‌شدن همراه با تمرکز بر روی انصاف؛

A2 سطح پایینی از جهانی‌شدن همراه با تکیه بر روی کارایی اقتصادی؛

B2 سطح پایینی از جهانی‌شدن همراه با تمرکز بر روی انصاف. کرویت ابعاد چهارگانه امنیت انرژی را بر روی همین محورها ترسیم کرده که در شکل زیر به آن اشاره شده است.

-
3. Availability
 4. Accessibility
 5. Affordability
 6. Acceptability
 7. Bert- Kruyte

شکل ۲- سناریوهای امنیت بلندمدت انرژی

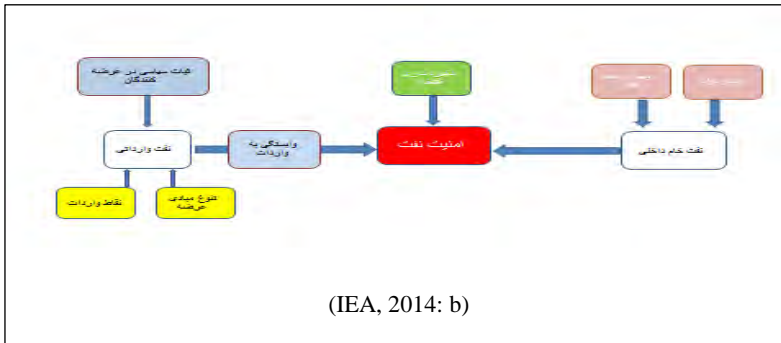
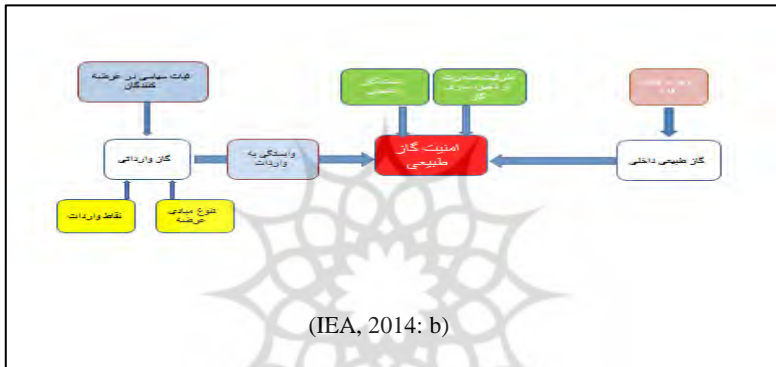


۲. شاخص‌های امنیت انرژی

برای اندازه‌گیری امنیت انرژی، شاخص‌هایی مورد نیاز است. برای تعیین این شاخص‌ها لازم است تهدیدها علیه امنیت انرژی نیز مشخص شود که در زیر به آنها اشاره شده است:

- ۱) اقدامات سیاسی که بر روی عرضه و قیمت‌های انرژی تأثیر می‌گذارد؛
- ۲) تهی شدن منابع متعارف نفت و گاز؛
- ۳) محدودیت‌های اعمال شده بر سر راه توسعه ذخایر نفت و گاز؛
- ۴) وابستگی به واردات؛
- ۵) عدم تعدد و تنوع منابع عرضه انرژی؛
- ۶) چالش‌های زیرساختی.

اژانس بین‌المللی انرژی در گزارش سال ۲۰۱۴ خود شاخص‌های امنیت نفت خام و گاز طبیعی را به‌طور جداگانه در دو نمودار زیر خلاصه کرده است. در این شاخص‌ها به‌نوعی به تأثیر شرایط حاکم ژئوپلیتیکی - سیاسی و اقتصادی تولیدکنندگان نفت و گاز به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در امنیت انرژی این کشورها اشاره شده است.

شکل ۳- نمودار شماتیک شاخص‌های امنیت نفت

شکل ۴- نمودار شماتیک شاخص‌های امنیت گاز طبیعی


۱-۲. بررسی شاخص‌های خطرپذیری امنیت عرضه

یکی از نتایج محتوم جهانی شدن این است که سیستم‌های انرژی کشورهای مختلف به شدت به یکدیگر وابسته شده‌اند. این بدان مفهوم است که سیاست‌های انرژی را نمی‌توان بیشتر از این در هر کشوری به طور مجزا تعیین کرد. شاخص بین‌المللی امنیت انرژی به ما اجازه می‌دهد که خطرپذیری امنیت انرژی را بین کشورها یا مجموعه‌ای از کشورها مقایسه کند و نشان می‌دهد که خطرپذیری امنیت انرژی با استفاده از این دو شاخص با مرور زمان تغییر می‌کند. مقادیر خطرپذیری امنیت انرژی و رتبه‌بندی امنیت انرژی بین‌الملل بر اساس مقادیر مطلق و نسبت به متوسط مبنا در کشورهای OECD محاسبه می‌شود (U.S. Chamber of Commerce, 2013:65).

اتحادیه اروپا نیز اولویت‌های امنیت انرژی را مشخص کرده است. کمیسیون اروپا خطرپذیری امنیت انرژی را به ریسک‌های فیزیکی، اقتصادی، سیاسی، مقرراتی، اجتماعی و زیست‌محیطی در حوزه‌های انرژی تقسیم‌بندی کرده و آنها را به شرح زیر توضیح داده است (Labandeira and Manzano, 2014).

- ۱- خطرهای فیزیکی: خطرهای فیزیکی شامل اختلال‌های دائمی (حملات خرابکارانه مکرر علیه تأسیسات تولید یا از بین بردن منابع انرژی) و اختلال‌های موقت (بحران‌های ژئوپلیتیکی و بلایای طبیعی) می‌شود.
- ۲- خطرهای اقتصادی: نوسان در قیمت‌های انرژی پس از ایجاد توازن بین عرضه و تقاضا.
- ۳- خطرهای سیاسی: که از سوی کشورهای صادرکننده نفت ایجاد شده و از نفت به‌عنوان اسلحه سیاسی استفاده می‌شود.
- ۴- خطرهای مقرراتی: قوانین ضعیف در بازارهای داخلی و تغییر مقررات در کشورهای صادرکننده (هم در زمینه سرمایه‌گذاری و هم امنیت قرارداد عرضه).
- ۵- خطرهای اجتماعی: تنش‌های اجتماعی که به افزایش مداوم قیمت‌های انرژی منجر می‌شود.
- ۶- خطرهای زیست‌محیطی: خطراتی که به محیط‌زیست مربوط می‌شود (نشت نفت، حوادث هسته‌ای و غیره) که ممکن است آسیب‌های زیست‌محیطی به همراه داشته باشد.

۲-۲. تعریف امنیت انرژی از نگاه تولیدکنندگان

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، در بیانیه رسمی خود در جلسه وزرای انرژی جی ۸ به ابعاد امنیت انرژی جهانی اشاره می‌کند (OPEC Official Statement, 2006). اوپک در این بیانیه اشاره می‌کند که امنیت انرژی باید جهانی باشد و به‌طور خاص به روح بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ و اجلاس جهانی سازمان ملل در مورد توسعه پایدار پایبند باشد. امنیت انرژی باید دوجانبه باشد. امنیت تقاضا یک عامل مهم برای تولیدکنندگان است؛ همان‌طور که امنیت عرضه برای مصرف‌کنندگان حائز اهمیت است. امنیت انرژی باید بر تمامی منابع انرژی اعمال شود، به‌گونه‌ای که فارغ از قوانین متعصبانه و اقدامات قانونی مثل بستن سطوح بالای مالیات بر فرآورده‌های نفتی در بسیاری از کشورهای مصرف‌کننده و برعکس مالیات پایین یا نبود مالیات و ارائه یارانه در دیگر بخش‌های انرژی در کشورهای تولیدکننده باشد. در بیانیه اوپک تأکید شده که «امنیت انرژی باید در کل زنجیره عرضه اعمال شود. بخش پایین‌دستی به همان اهمیت بخش بالادستی است و ما اخیراً شاهد آن بوده‌ایم که موانع پالایشی می‌تواند موانعی را بر سر راه عرضه ایمن و مداوم انرژی بر مصرف‌کنندگان ایجاد کند. امنیت انرژی باید تمامی افق‌های زمانی قابل پیش‌بینی را پوشش دهد. امنیت انرژی در فردا به همان اندازه امنیت انرژی در امروز اهمیت دارد و شرایطی باید ایجاد شود که در تمامی زمان‌ها

استراتژی‌های سرمایه‌گذاری مطلوبی تدوین شود. در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که چگونه نگرانی در مورد امنیت عرضه در آینده تأثیر قابل توجهی بر قیمت‌های امروز دارد. امنیت انرژی باید بر روی تهیه مدرن‌ترین فرآورده‌های انرژی برای همه مصرف‌کنندگان تمرکز کند و بالاترین استانداردهای زیست‌محیطی را به کار بندد و از به کار بردن آخرین فناوری‌ها منتفع شود. برای تأمین امنیت انرژی باید گفتگو و همکاری بین بازیگران عمده بازارهای انرژی برقرار شود و تحول آرام بازار به سوی روشی متعادل و منصفانه هم در حال و هم در آینده را تسهیل گردد» (OPEC Official Statement, 2006).

کشورهای تولیدکننده نفت در گستره توسعه بخش‌های مختلف امنیت تقاضا با یکدیگر متفاوت هستند (Dyer & Trombetta, 2013: 245). برای تعیین عوامل مؤثر بر امنیت انرژی برای کشورهای تولیدکننده نفت و گاز، ابتدا باید خطرهای امنیت انرژی برای این کشورها مشخص شود. این خطرها را می‌توان با توجه به شرایط حاکم بر کشورهای تولیدکننده و بازارهای نفت مشخص کرد.

۲-۳. بررسی شاخص‌های خطرپذیری امنیت عرضه

نوسانات قیمت نفت. در صورتی که توازن بین عرضه و تقاضای نفت به نفع عرضه به هم بخورد و بازارهای نفت با مازاد عرضه نفت خام مواجه شوند، قیمت‌های نفت کاهش می‌یابد و در صورتی که کاهش قیمت‌های نفت در شرایطی حاصل شود که رشد اقتصاد جهانی کند است، اقتصاد وابسته به درآمدهای نفتی کشورهای نفت خیز با مشکل جدی مواجه می‌شود. ثبات قیمت‌ها مهم‌ترین نگرانی اقتصادی در امنیت تقاضای کشورهای تولیدکننده نفت است. در اینجا بحث در مورد قیمت عادلانه نیست، بلکه در مورد ثبات قیمت‌های نفت است. ثبات قیمت‌ها هم بر مشکلات فیزیکی عرضه و تقاضای نفت تأکید دارد (موضوعات مربوط به رکود اقتصادی، قابلیت دسترسی به منابع نفتی، اختلال در زیرساخت‌ها و ...) و هم بر کار بازارهای مالی که متأثر از عوامل بنیادین عرضه و تقاضا است (Dyer & Trombetta, 2013: 246). البته ثبات مصرف نفت و گاز که تحت تأثیر عوامل مهمی مثل شرایط حاکم بر اقتصاد جهانی و شرایط سیاسی و اقتصادی بازارهای مصرف است نیز حائز اهمیت است.

سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی. با توجه به سرمایه‌بر بودن طرح‌های توسعه در صنعت نفت و گاز، بیشتر کشورها علاوه بر سرمایه‌گذاری داخلی، چاره‌ای جز استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی ندارند. با توجه به محدودیت منابع انرژی‌های فسیلی توسعه به‌موقع و بهینه آنها نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی جهان در بلندمدت دارد.

دسترسی به فناوری‌های نوین. فناوری الزام استراتژیک برای استحصال و استفاده بهینه از منابع متعارف و غیرمتعارف نفت و گاز است و فناوری‌های نوین عمدتاً در اختیار شرکت‌های بین‌المللی است که به‌غیر از دغدغه‌های اقتصادی تحت تأثیر دغدغه‌های سیاسی دولتمردان کشور یا کشورهای متبوع خود نیز هستند.

حمل‌ونقل نفت و گاز. انتقال و صادرات نفت و گاز از مبدأ تولید به بازارهای مقصد نیز دارای پیچیدگی‌های سیاسی و اقتصادی متعددی است. جدای از مباحث امنیتی و محافظت از خطوط لوله انتقال نفت و گاز رقابت‌های ژئوپلیتیکی نیز می‌تواند در انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لوله چالش‌های جدی به‌وجود آورد.

خطرهای سیاسی. تنش‌های قومی و مذهبی می‌تواند باعث ایجاد ناامنی در مناطق نفتی شده و روند توسعه را با چالش جدی مواجه کرده یا به تأخیر اندازد. به‌ویژه اگر این تنش‌های قومی برای دستیابی به درآمدهای نفتی با هدف افزایش قدرت و نفوذ باشد می‌تواند تهدید جدی را برای توسعه صنعت نفت آن کشور ایجاد کند.

گروه‌های تروریستی و جدایی‌طلب. نفوذ گروه‌های تروریستی در مناطق نفتی کشورهای نفت‌خیز، نه تنها می‌تواند باعث تهدید امنیت انرژی و امنیت ملی آن کشور شود، بلکه این تهدیدها می‌تواند از مرزها عبور کرده و کل منطقه و جهان را متأثر کند. در صورتی که میدان‌ها و تأسیسات نفتی به دست گروه‌های افراطی و تروریستی بیفتد از درآمدهای ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های تأسیسات تحت کنترل خود برای تأمین هزینه‌های حملات تروریستی و افراط‌گرایانه بیشتر استفاده می‌کنند.

جایگاه کشور تولیدکننده نفت در نظام بین‌الملل. امنیت انرژی کشورهایی که موافق جریان حاکم بر نظام بین‌الملل حرکت می‌کنند، حتی اگر این کشورها دارای حاکمیت‌های اقتدارگرا باشند. چه در بعد سرمایه‌گذاری و توسعه صنعت نفت و چه در بعد دسترسی به بازارهای تقاضا بیشتر تأمین می‌شود.

رقابت بین تولیدکنندگان برای جذب بازار. تولیدکنندگان برای دسترسی به بازارهای مصرف، قراردادهای جذاب و تضمین‌هایی را ارائه می‌دهند (Dyer, Trombetta, 2013: 248).

تحریم‌های اقتصادی و نفتی. تأثیر تحریم‌های اقتصادی و نفتی بر امنیت انرژی کشور تحریم‌شونده زیان‌بار است. این تحریم‌ها دارای ابعاد گوناگونی است. نمونه این تحریم‌ها علیه ایران اعمال شده و یکی از مهم‌ترین عوامل رکود صنعت نفت و اقتصاد وابسته به درآمدهای نفتی در این کشور طی سال‌های گذشته بوده که در زیر به تعدادی از این تحریم‌ها اشاره می‌شود:

- تحریم نقل و انتقالات بانکی که دریافت وجوه حاصل از فروش نفت، گاز، میعانات گازی و پتروشیمی را به شدت محدود کرده و جابه‌جایی وجوه از حساب‌های خزانه نزد بانک‌های عامل خارجی را تقریباً مسدود کرد.

- فروش نفت و گاز و محصولات پتروشیمی به شدت کاهش یافت و صرفاً به تعدادی از مشتریان محدود شد.

- تحریم حمل‌ونقل که حمل‌ونقل نفت خام و صنعت کشتیرانی را هدف قرار داده بود.

- تحریم تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت که باعث کندشدن و حتی توقف طرح‌های توسعه در این صنعت شد.

- تحریم بیمه که باعث توقف بیمه نفت‌کش‌ها توسط شرکت‌های بیمه خارجی و افزایش غرامت و خسارت محموله‌های نفتی و همچنین تأسیسات و تجهیزات نفتی شد.

- تحریم واردات و تأمین کالاها و تجهیزات و خدمات و پروانه‌های ساخت در صنعت نفت که باعث کندشدن و حتی توقف انجام طرح‌ها و استفاده از کالاهای بی‌کیفیت با قیمت‌های بالا و افزایش هزینه‌های تعمیر و نگهداری در بخش‌های مختلف صنعت نفت شد. از سوی دیگر، این محدودیت پیامدهای زیست‌محیطی گسترده‌ای را نیز در برداشته است.

نحوه مدیریت صنعت نفت در کشورهای نفت‌خیز. مدیریت صنعت نفت در کشورهای

نفت‌خیز که اقتصاد آنها وابسته به درآمدهای نفتی است، تمامی ارکان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین کیفیت مدیریت در این صنعت در فرایند توسعه این کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

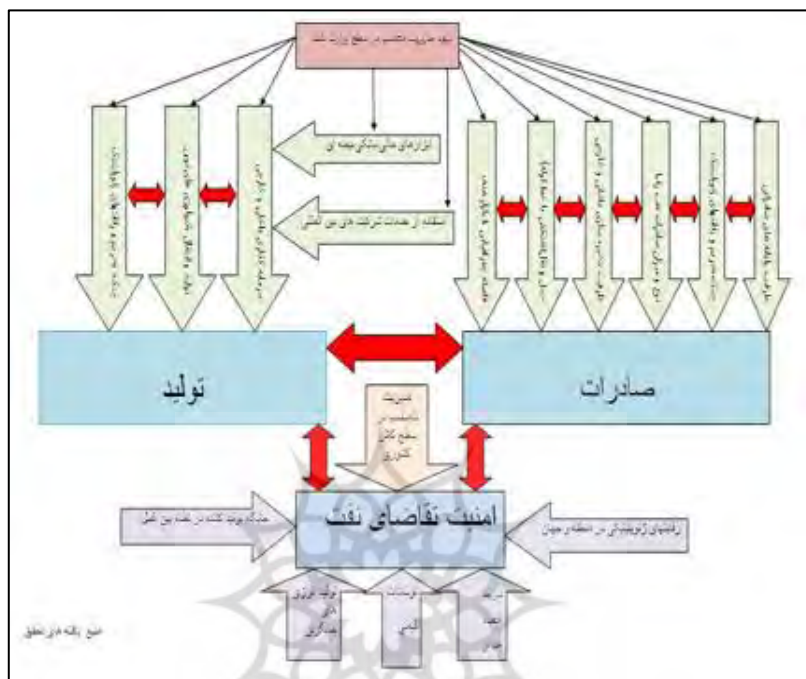
تولید انرژی‌های غیرمتعارف و جایگزین. هرچند تولید انرژی‌های جایگزین نیز متغیری

است که خود وابسته به متغیرهای مستقل دیگری مثل نوسانات قیمت‌های نفت و گاز و دیگر انرژی‌های جایگزین و روند رشد اقتصادی و توسعه فناوری است، اما به هر صورت می‌تواند برای تولیدکنندگان نفت و گاز متعارف به رقیبی جدی تبدیل شود؛ در صورتی که توسعه فناوری بتواند بر موانع ناشی از هزینه‌های بالای تولید انرژی‌های جایگزین فائق آید. البته افزایش تولید انرژی‌های غیرمتعارف نیز رقابت‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی خاص خود را به همراه دارد و به این مفهوم نیست که کاهش وابستگی به انرژی‌های فسیلی تولیدکنندگان نفت و گاز متعارف این نوع رقابت‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه به نظر می‌رسد نوع و حوزه آنها تغییر می‌کند.

هرچند مقررات زیست‌محیطی در کشورهای تولیدکننده عمده نفت و گاز، به‌ویژه در خاورمیانه و آفریقا به اندازه اروپا و آمریکا سخت‌گیرانه نیست، اما در آینده نه‌چندان دور، می‌توان

همین روند را در این مناطق نیز متصور شد. با توجه به موارد بالا می‌توان امنیت انرژی کشورهای تولیدکننده نفت و گاز را به ترتیب شکل ۵ ترسیم کرد.

شکل ۵- نمودار شماتیک امنیت تقاضای انرژی



اگرچه هر کشوری تعریف خاص خود را از امنیت انرژی دارد، اما عواملی که در نمودار بالا به آنها اشاره شده است، برای اغلب کشورهای تولیدکننده عمومیت دارد. امنیت عرضه و امنیت تقاضا دو روی یک سکه هستند؛ هرچند تعدادی از عوامل مؤثر در آنها با یکدیگر متفاوتند. به هم پیوستگی امنیت عرضه و تقاضا باعث می‌شود هر چالشی که در امنیت انرژی کشورهای تولیدکننده ایجاد شود، هرچند راه‌حل‌های کوتاه‌مدتی برای آن پیدا شود، بازهم در بلندمدت بر امنیت انرژی کشورهای مصرف‌کننده تأثیر بگذارد؛ خواه این چالش‌ها ناشی از عوامل داخلی یا مؤلفه‌های خارجی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی باشد. در نمودارهای امنیت عرضه نفت (شکل ۳) و امنیت عرضه گاز (شکل ۴) ارائه شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی بر شرایط کشورهای تولیدکننده نفت و تعداد مبادی عرضه به عنوان عوامل تأثیرگذار در امنیت انرژی کشورهای مصرف‌کننده به‌طور کلی تأکید شده است. در نمودار امنیت تقاضا نیز، نقش مصرف‌کنندگانی که عمدتاً در زمره کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی هستند و بازار تقاضای کشورهای تولیدکننده را تشکیل می‌دهند و در توسعه طرح‌های نفت و گاز تولیدکنندگان؛ چه

از منظر سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری و چه از نقطه نظر رقابت‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی و جایگاه کشور تولیدکننده در نظام بین‌الملل تأثیر می‌گذارد، مشخص شده است.

در نمودار عرضه نفت (شکل ۳) و نمودار عرضه گاز (شکل ۴) ثبات سیاسی در کشورهای تولیدکننده بر روی نفت وارداتی و وابستگی به واردات تأثیر می‌گذارد؛ هرچند تنوع مبادی عرضه و نقاط واردات نیز بر نفت در نمودار امنیت نفت (شکل ۳) و نمودار امنیت گاز (شکل ۴) مؤثر است. در نمودار امنیت تقاضا، ثبات سیاسی در ابعاد داخلی و هم در ابعاد خارجی تولیدکنندگان بر تمامی بخش‌های زنجیره عرضه از اکتشاف و تولید گرفته تا صادرات تعیین‌کننده است و در تمامی بخش‌ها به آن اشاره شده است. پس این همپوشانی نقاط مشترک متعددی را به وجود می‌آورد.

البته دغدغه‌ها در مورد امنیت تقاضا کمتر به منطبق تضاد در امنیت می‌پردازد و رویکرد حاصل جمع جبری صفر به سوی رویکرد همکاری به معنی هامینیت یکی به امنیت دیگران بستگی دارد»، در حال تغییر جهت است (Dyer & Trombetta, 2013: 10).

درواقع، نقاط مشترک در این نمودارها به هم‌پیوستگی امنیت عرضه و تقاضا را نشان می‌دهد و با استناد به آنها می‌توان به این نتیجه رسید که سیاست‌گذاری در زمینه امنیت انرژی باید در چارچوبی فراتر از مرزهای یک کشور تدوین شود. در شرایطی که اختلال در تولید و صادرات انرژی یک کشور تولیدکننده به علت بلایای طبیعی، جنگ، تحریم یا مناقشات سیاسی داخلی باعث ایجاد نوسان در قیمت‌های انرژی می‌شود یا اینکه سوء مدیریت در توسعه بخش بالادستی یک کشور تولیدکننده عمده نفت خام باعث عدم بهره‌برداری به موقع از منابع و به هم خوردن توازن عرضه و تقاضای نفت و گاز در بلندمدت می‌شود، نمی‌توان امنیت انرژی را صرفاً در چارچوب مرزها مدنظر قرار داد. در شرایط فعلی، امنیت انرژی به مفهوم امنیت عرضه برای مصرف‌کنندگان و امنیت تقاضا برای تولیدکنندگان در چارچوب امنیت ملی هرکدام از آنها است.

همکاری در زمینه توسعه امنیت انرژی در قالب پارادایم امنیت ملی نمی‌گنجد و بسیاری از فرصت‌های برد-برد در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، همکاری‌های فنی و حاکمیتی نادیده گرفته می‌شود (Dyer & Trombetta, 2013:507).

از سوی دیگر، تأمین امنیت انرژی ارتباط مستقیمی با امنیت اقتصادی در چارچوب توسعه پایدار و امنیت محیط‌زیست جهانی دارد که تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در مورد آنها فراتر از پارادایم امنیت ملی است. به‌ویژه با توجه به اینکه افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای و آثار سوء

آن بر زندگی مردم، دولت‌ها را ملزم به اقدامی مشترک برای کاهش آلاینده‌گی تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی می‌کند.

به نظرمی‌رسد که ضرورت دارد سیاستگذاری در زمینه امنیت انرژی از پارادایم ملی فراتر رود و در قالب پارادایمی فراملی و جهانی مورد بررسی قرار گرفته و در مورد آن تصمیم‌گیری شود. این مهم می‌تواند الزامی استراتژیک برای تأمین امنیت انرژی بین‌الملل به حساب آید. برای دستیابی به این مهم، پیگیری رویکردهای نتولیبرالی شامل شفافیت، قوانین و مقررات جامع، مسئولیت اجتماعی مشترک که حوزه مسئولیت شرکت‌ها و دولت‌ها را مشخص می‌کند و حکمرانی خوب در قالب پارادایمی جهانی برای تأمین امنیت انرژی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

وجود اطلاعات شفاف در مورد عوامل بنیادین بازارهای جهانی نفت، به‌ویژه عرضه و تقاضای نفت و گاز و زغال‌سنگ و دیگر انرژی‌های جایگزین حائز اهمیت است. در حال حاضر نهادهای بین‌المللی زیادی در مورد نفت و گاز آمارهایی را ارائه می‌دهند، اما آمار دقیق و شفافی در مورد دیگر منابع انرژی، به‌ویژه زغال‌سنگ که سهم مهمی در سبد انرژی مصرف‌کنندگان و همچنین آلودگی محیط‌زیست دارد، ارائه نمی‌شود. دانستن این آمار، به‌ویژه برای تولیدکنندگان عمده نفت و گاز و برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و همچنین برای همه دولت‌ها برای برآورد میزان آلاینده‌گی آن برای رسیدن به اهداف زیست‌محیطی حائز اهمیت است.

به علت اهمیت نفت در نظام اقتصاد بازار، صنعت نفت رابطه نزدیکی با بازارهای مالی دارد و به‌طور مستقیم تحت کنترل آن است. برای مثال صنعت نفت نیازمند منابع سرمایه برای سرمایه‌گذاری‌های جدید و پروژه‌های توسعه است. قیمت نفت نیز بر اساس دلار آمریکا تعیین می‌شود و هرگونه تغییر در ارزش دلار، تأثیر زیادی بر قیمت نفت دارد (Reboredo, Rivera-Castro & Zebende, 2014)؛ اما به‌صورت غیرمستقیم نیز با تغییر نرخ بهره وام‌ها بر ظرفیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی یا قدرت خرید مشتریان تأثیر می‌گذارد. در مورد نفوذ غیرمستقیم بازارهای مالی بر صنعت نفت می‌توان به قدرتی که بازارهای مالی در تنظیم مصرف فرآورده‌های نفتی و خدمات دارند یا نفوذی که بر فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها و دولت‌ها دارند یا تأثیری که در تنظیم تقاضای انرژی دارند، اشاره کرد. هرکجا که بازاری وجود دارد، معمولاً افرادی وجود دارند که سعی می‌کنند بازار را به نفع خود دستکاری کنند. این عمل توانایی بازار را برای انجام اقدامات بهینه کم می‌کند، اعتماد بازیگران در این بازار را کاهش داده و نتایج بازار از جمله قیمت‌ها را نیز مختل می‌کند (Federal Energy Regulatory Commission, 2012: 3). بازارهای مالی بزرگ جهان در کشورهای توسعه‌یافته‌ای است که در زمره بزرگ‌ترین

مصرف‌کنندگان انرژی در جهان هستند. در واقع، کنترل و قانون‌گذاری این بازارها با توجه به منافع کشورهای مصرف‌کننده صورت می‌گیرد و در بعضی مواقع به نفع آنها دستکاری می‌شود. بعضی اوقات نیز دستکاری بازارهای مالی با اهداف سیاسی انجام می‌شود. بازارهای تجارت نفت، به‌ویژه بازارهای آتی و کاغذی در کنترل مصرف‌کنندگان است و منافع آنها معمولاً در اولویت قرار دارد.

با توجه به هم‌پیوستگی امنیت انرژی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده، سیاست‌زدایی از بازارهای انرژی و نگاه بلندمدت به منافع تمامی بازیگران در بازارهای مالی می‌تواند نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی همه کشورها در بلندمدت داشته باشد.

فرجام

ظهور رویکردها و ابعاد جدید در رابطه با امنیت انرژی بر پیچیدگی آن افزوده و ارائه چارچوب منسجم نظری در مورد آن را بسیار سخت کرده است. در واقع، از یک‌سو ماهیت چندجانبه این مفهوم ارائه تعریفی از آن را مشکل کرده و از سوی دیگر، از این مفهوم به‌عنوان چتری برای پوشش بسیاری از موضوعات مرتبط با انرژی از جمله رشد و توسعه اقتصادی و قدرت سیاسی و ابزار سیاست خارجی در قالب دیپلماسی انرژی نیز استفاده می‌شود.

با وجود آنکه امنیت انرژی از دهه ۱۹۷۰ به‌صورت جدی وارد ادبیات روابط بین‌الملل شده، اما بر امنیت عرضه که برای مصرف‌کنندگان حائز اهمیت است در قالب رویکردی واقع‌گرا و ژئوپلیتیکی تأکید بیشتری شده و امنیت تقاضای مورد نظر تولیدکنندگان نادیده انگاشته شده است. این در حالی است که به‌هم‌پیوستگی امنیت انرژی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده را می‌توان از نقاط مشترک متعدد بین الگوهای امنیت عرضه و امنیت تقاضا اثبات کرد؛ به‌طوری‌که هرگونه اختلال در امنیت تقاضای کشورهای تولیدکننده در نهایت امنیت عرضه مصرف‌کنندگان را نیز متأثر خواهد کرد.

در حالی که هر کشور امنیت انرژی خود را در قالب پارادایم امنیت ملی تعریف می‌کند، به‌غیر از ماهیت فراملی موضوع سیاست‌های انرژی، تصمیم‌گیری در مورد چالش‌هایی مثل تغییرات آب‌وهوایی ناشی از استفاده از انرژی‌های فسیلی، فقر انرژی و دیگر موضوعات مربوط به توسعه پایدار در پارادایم محدود و مضیق امنیت ملی امکان‌پذیر نیست و ضرورت دارد یک پارادایم امنیتی جایگزین برای سیاست‌های انرژی تبیین شود که موضوعات ملی و فراملی مرتبط با انرژی را پوشش دهد.

در پارادایم جایگزین باید به سیاست‌زدایی از بخش انرژی، ارائه اطلاعات شفاف در مورد عوامل بنیادین و غیربنیادین بازار، قوانین و مقررات و مسئولیت‌های هرکدام از بازیگران تأثیرگذار در امنیت انرژی جهانی توجه ویژه‌ای صورت پذیرد.

منابع

- Buzan, Barry (1991), *People, States and Fear: an agenda for International Security studies in the Post-Cold War Era*, London: Harvester Wheat sheaf, Second Edition.
- Buzan, Barry, Weaver, Ole, DE Wilde, Jaap (1998), *Security: A New Framework for Analysis*, America: Lynne Rienner.
- Chester, Lynne (2010), Conceptualizing Energy Security and Making Explicit its Polysemic Nature , *Energy Policy*, Vol.38, No.2: 887-895.
- Dyer Hugh, Trombetta Maria Julia (2013), *International Handbook of Energy Security*, Cheltenham, Edward Elgar Publishing.
- Yrgin, Daniel (March/April2006), Ensuring Energy Security , *Foreign Affairs*, Vol.85, No.2.
- Rupp, Scott (2012), *Energy Primer: A Handbook of Energy Market Basics*, Federal Energy Regulatory Commission, available at:<http://www.ferc.gov/market-oversight/guide/energy-primer.pdf>.
- Grafstein, Robert (April2002), What Rational Political Actors Can Expect *Journal of Theoretical Politics*, Vol.14. No.2: 139-165.
- Haghighi, Sanam. (2007), *Energy Security: The External Legal Relations of the European Union with Major Oil- and Gas-supplying Countries*, United Kingdom, Oxford; Hart Publishing, first edition.
- What is Energy Security?* (2007), International Energy Agency, (10.05.2014) Availableat:<http://www.iea.org/topics/energysecurity/subtopics/whatisenergysecurity/>
- The IEA Model of short term Energy Security*, (2011), International Energy Agency, (19.06.2014), available at: http://www.iea.org/publications/freepublications/publication/moses_paper.pdf
- Klare, Michael (2008), *Rising Powers, Shrinking Planet: The New Geopolitics of Energy*, NewYork, Metropolitan Books publishing.
- Kruyt, Bert et al. (2009), Indicators for Energy Security , *Energy Policy*, Vol.37, No.6.available at: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0301421509000883> accessed 10 June 2013.

- Labandeira, Xavier, Manzano, Baltasar. (2012), *Some Economic Aspects of Energy Security*, (10.04.2014), available at:
<http://www.eforenergy.org/docpublicaciones/documentos-de-trabajo/WP092012.pdf>.
- OPEC, s Official Statement to G8 Energy Ministerial Meeting, Moscow, March 2006.
- Taylor, Jerry, p. Van Doren, (summer2008), *The Energy Security Obsession*, *The Georgetown Journal of Law & Public Policy*, Vol.6, No.2.
- Zeniewski, Peter, Brancucci Martanez-Anido, Carlol.G. Pearson, (2013), *Framing New Threats: The Internal Security of Gas and Electricity Networks*, International Handbook of Energy Security, Edward Elgar Publishing.
- Reboredo, Rivera-Castro & Zebende. (2014), Oil and U.S. Dollar Exchange Rate: ADetrended Cross-Correlation approach, *Energy Economics*, Vol.42: 132-139.
- Bilmes, L. J., & Stiglitz, J. E. (2010), The True Cost of the Iraq War: \$3 Trillion and beyond, *The Washington Post*.
- Karlsson-Vinkhuyzen, S. I., & Jollands, N. (2013), Human security and energy security: a sustainable energy system as a public good, Available at *SSRN 2562594*.
- Tippee, ByBob (2012), Defining Energy Security, *Oil and Gaz Journal*, Available at:
[1c/regular-features/journally-speaking/defining-energy-security.html](http://www.oilandgaz.com/regular-features/journally-speaking/defining-energy-security.html), (06.07.2014).
- U.S. Chamber of Commerce (2013), International Index of Energy Security Risk-2013 Edition, available at: <https://www.uschamber.com/report/international-index-energy-security-risk>.
- Waltz, Kenneth (2010), *Theory of International Politics*, Waveland Press.
- Wood, Steve (2013), "*Energy Security and Liberal Democracy: Ideal, Imperative and Balancing Acts*", Cheltenham, International Handbook Of Energy Security Edited by Hugh Dyer and Maria Julia Trombetta, Edward Elgar Publishing Limited,
- Wood, S. (2013), Energy security and liberal democracy: ideals, imperatives and balancing acts, *International Handbook of Energy Security*, Cheltenham : Edward Elgar: 19- 39



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی